

مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران:

ثبت صید ۲۳۹ تن میگو در آب‌های هرمزگان



فصل صید میگو در آب‌های هرمزگان در حالی ادامه دارد که بر اساس آخرین آمار سازمان شیلات ایران، تاکنون ۲۳۹ تن میگو از آب‌های این استان صید شده است؛ رقمی که ۱۳۱ تن آن مربوط به میگوی سرتیز و ۱۰۸ تن مربوط به میگوی غیرسرتیز است.

فریبرز رجانی در گفت وگو با خبرنگار اقتصاد سرآمد با اشاره به روند صید میگو در آب‌های هرمزگان اظهار کرد: فصل صید میگو از اوایل مهرماه در این استان آغاز شده و بر اساس آمارهای به‌روز، مجموع صید ثبت‌شده تاکنون به ۲۳۹ تن رسیده است. مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران، وی افزود: از مجموع صید انجام‌شده، ۱۳۱ تن به میگوی سرتیز و ۱۰۸ تن به میگوی غیرسرتیز اختصاص دارد.

رجانی با اشاره به اهمیت فصل صید میگو برای جوامع ساحلی و صیادی هرمزگان تصریح کرد: صید میگوی یکی از فعالیت‌های مهم اقتصادی در مناطق ساحلی استان به‌شمار می‌رود و علاوه بر تأمین بخشی از درآمد صیادان، در فعالیت‌های مرتبط با زنجیره صید، عرضه و توزیع آب‌زیان نیز نقش دارد. مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران ادامه داد: با توجه به اهمیت این ذخیره آبی، فعالیت در فصل صید باید در چارچوب برنامه مدیریت صید انجام شود و بهره‌برداران موظف هستند ضوابط و مقررات تعیین‌شده را رعایت کنند. وی با تأکید بر ضرورت رعایت محدوده و زمان‌بندی اعلام‌شده برای صید میگو، گفت: صیادان و بهره‌برداران باید الزامات مربوط به حفاظت از ذخایر آب‌زیان را به‌طور کامل مورد توجه قرار دهند تا امکان بهره‌برداری اصولی و پایدار از منابع دریایی فراهم باشد. براین اساس، وی افزود: رعایت این ضوابط، حفاظت از ذخایر میگو و فراهم کردن شرایط لازم برای استمرار بهره‌برداری پایدار از منابع آبی انجام می‌شود. وی این مقام مسئول در سازمان شیلات ایران درباره محدوده فعالیت شناورهای صیادی نیز گفت: محدوده صید میگو به‌صورت یکپارچه از سیریک تا طولار در جزیره قشم تعیین شده است و شناورهای مجاز در شهرستان‌های سیریک، میناب، بندرعباس و قشم امکان فعالیت دارند.

مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران، خاطر نشان کرد: شناورهای صیادی پس از طی مراحل قانونی و رعایت ضوابط تعیین‌شده در برنامه مدیریت صید، مجاز به فعالیت در فصل صید میگو هستند.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور ابلاغ کرد: سازوکار استرداد مالیات اضافه بر در آمد حقوق



رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، نحوه استرداد مالیات بر در آمد حقوق که به‌صورت اضافه بر مالیات متعلق کسر شده است را به اداره کل امور مالیاتی سراسر کشور ابلاغ کرد.

به گزارش اقتصادسراسر آمد، سیدمحمدهادی سبحانیان در این ابلاغیه با استناد مواد ۸۷، ۲۴۲ و ۲۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم، سازوکار روشنی برای بازگرداندن مبالغ اضافه کسر شده به حقوق‌بگیران تعیین کرده و تکلیف هر یک از ادارات کل را در این فرایند به‌روشنی مشخص کرده است.

بر اساس این ابلاغیه، در مواردی که مالیات بر درآمد حقوق بیش از مالیات متعلق پرداخت شده باشد و حقوق‌بگیر مطابق بند (۲) بخشنامه شماره ۵۰/۱۴۰۳/مورخ ۱۴/۱/۱۴۰۳ درخواست استرداد را ثبت کرده باشد، اداره کل محل سکونت مودی پس از رسیدگی و احراز مازاد بودن مالیات پرداختی و نداشتن بدهی قطعی دیگر، مشخصات و شماره شباهت (حساب) ذی‌نفع را (با رعایت مدت قانونی) به اداره کل امور مالیاتی دریافت‌کننده مالیات، جهت استرداد مالیات اعلام می‌کند. در این ابلاغیه تأکید شده است: در صورت وجود بدهی قطعی مالیاتی، مبلغ اضافه پرداختی ابتدا به حساب بدهی منظور می‌شود و تنها مازاد آن مطابق ضوابط اعلامی به حقوق‌بگیر مسترد خواهد شد. همچنین اداره کل دریافت‌کننده مالیات موظف است ظرف حداکثر سه روز کاری از محل وصولی‌های جاری، مبالغ قابل استرداد را به حساب ذی‌نفع واریز و نتیجه را به همراه مستندات قانونی به اداره کل محل سکونت مودی ارسال کند. بر اساس این ابلاغیه، معاونت فناوری‌های مالیاتی نیز مکلف شده است امکان دسترسی برخط ادارات کل امور مالیاتی محل سکونت حقوق‌بگیران را به اطلاعات حقوق و دستمزد و مالیات پرداختی آنان در سامانه‌های مربوطه فراهم آورد؛ اقدامی که بستر تسریع در رسیدگی و جلوگیری از مراجعات حضوری مودیان را فراهم می‌کند.



صبر کردن برای یک بنگاه در شرایط مبهم، ممکن است تصمیمی محتاطانه و حتی عقلانی باشد. مدیر بنگاه ترجیح می‌دهد خرید ماشین‌آلات، راه‌اندازی خط تولید، نیروی جدید یا ورود به بازار تازه را تا زمانی که جهت تحولات سیاسی و اقتصادی روشن نشده، عقب بپندارد. مسئله از جایی آغاز می‌شود که این رفتار فردی به تصمیم مشترک هزاران بنگاه تبدیل می‌شود. آنچه برای هر بنگاه احتیاط است، در مقیاس اقتصاد به رکود می‌انجامد

گروه اقتصاد – نسترن رفیعی – رئیس

پیشین اتاق بازرگانی ایران می‌گوید: در سناریوی تداوم تنش، بقا و کاهش تولید دو رفتار جداگانه نیستند؛ کاهش تولید اغلب نتیجه تلاش بنگاه برای زنده‌ماندن است. مدیر بنگاه ابتدا هزینه‌های غیر ضروری را حذف می‌کند، خرید و استخدام را عقب می‌اندازد، موجودی نقدشونده را افزایش می‌دهد و تعهدات بلندمدت را کاهش می‌دهد. اگر این اقدامات کافی نباشد، نوبت به کاهش شیف‌ت کاری، تیراژ تولید و نیروی انسانی می‌رسد. بنابراین بنگاه تا جایی تولید را حفظ می‌کند که ادامه آن، نقدینگی را سریع‌تر از توان جایگزینی منابع مصرف نکند.

کاهش تولید تنها بخش آشکار فشارهایی است که اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵ با آن مواجه شده است. افت رشد اقتصادی در بهار و کاهش تشکیل سرمایه ثابت نشان می‌دهد بخشی از آسیب‌ها در سطحی عمیق‌تر، یعنی در ظرفیت تولید اینده، در حال شکل‌گیری است. تبعات نااطمینانی اقتصادی ممکن است فراتر از کاهش تولید در نیمه دوم سال ۱۴۰۵ ظاهر شود و با تأخیر در اجرای طرح‌های توسعه، کاهش سرمایه‌گذاری و تضعیف ظرفیت تولید، به سال‌های آینده سرایت کند. فردین آقاپوری، تحلیلگر بازار سرمایه، معتقد است طولانی‌شدن این وضعیت علاوه بر آسیب به چرخه تولید، می‌تواند تهدید خروج سرمایه از کشور را افزایش دهد. حسین سلاح‌ورزی، رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران و رئیس سازمان ملی کار آفرینی ایران در گفت و گو با اقتصادنیوز معتقد است ادامه این وضعیت می‌تواند فراتر از کاهش تولید در سال جاری، به فرسودگی تجهیزات، کاهش اشتغال و از دست رفتن بخشی از ظرفیت تولید و بازارهای صادراتی در سال آینده منجر شود.

«آقای سلاح‌ورزی! براساس آمار منتشر شده، اقتصاد ایران در بهار ۱۴۰۵ با افت ۱۰.۱ درصدی رشد اقتصادی، کاهش ۸.۴ درصدی تشکیل سرمایه ثابت و افت رشد اقتصادی در بخش صنایع روبرو شده است. تحلیل شما از این تصویر اقتصاد ایران چیست؟ می‌توان گفت بنگاه‌ها در مرحله بقا دست و پایی زنند؟

این آرقام، اگر بر مبنای مقایسه واقعی با دوره مشابه سال قبل محاسبه شده باشند، تصویری از یک رکود عادی و گذرا ارائه نمی‌کنند؛ نشانه ورود اقتصاد به مرحله‌ای فرسایشی‌تر هستند. کاهش تولید را شاید بتوان به جنگ، اختلال تجارت، محدودیت انرژی و تشدید تحریم‌ها نسبت داد، اما افت ۸.۴ درصدی تشکیل سرمایه ثابت پیام جدی‌تری دارد. این شاخص می‌گوید اقتصاد فقط امروز کمتر تولید نمی‌کند، بلکه ظرفیت تولید فردای خود را نیز از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، بسیاری از بنگاه‌ها دیگر برای توسعه، افزایش بهره‌وری یا ورود به بازارهای تازه برنامه‌ریزی نمی‌کنند. مسئله اصلی آنها تأمین سرمایه در گردش، پرداخت حقوق، تهیه مواد اولیه، حفظ نیروی متخصص



و جلوگیری از توقف خط تولید است. بنگاه‌های با قطعی برق و گاز، جهش نرخ ارز، دشواری تأمین مالی، محدودیت واردات و نااطمینانی سیاسی روبرو است. سرمایه‌گذاری بلندمدت را عقب می‌اندازد و منابع محدود خود را صرف عبور از بحران روزمره می‌کند. از این منظر، بله؛ بخش بزرگی از بنگاه‌های ایرانی عملاً وارد مرحله بقا شده‌اند.

اقتصاد ایران در حال مصرف کردن سرمایه گذشته برای حفظ تولید امروز است

البته نباید همه بنگاه‌ها را یکسان دید. شرکت‌های بر خوردار از رانت انرژی، دسترسی ترجیحی به ارز یا بازارهای انحصاری ممکن است همچنان سود اسمی نشان دهند؛ اما سود اسمی، آن هم در اقتصادی تورمی، الزاماً به معنای رشد واقعی یا سلامت بنگاه نیست. نگران‌کننده‌تر آن است که ادامه این وضعیت به تعطیلی ناگهانی همه کارخانه‌ها منجر نمی‌شود؛ فرسایش آرام رخ می‌دهد: تعمیرات عقب می‌افتد، ماشین‌آلات مستهلک می‌شوند، نیروی ماهر مهاجرت می‌کند و کیفیت محصول پایین می‌آید. بنابراین مسئله فقط رشد منفی یک فصل نیست؛ اقتصاد ایران در حال مصرف کردن سرمایه گذشته برای حفظ تولید امروز است. اگر نااطمینانی، تحریم و ناترازی انرژی کاهش نیابد، رکود فعلی می‌تواند به کاهش پایدار ظرفیت تولید تبدیل شود.

افزایش موجودی انبار همیشه نشانه رونق و آمادگی برای تولید بیشتر نیست

«آیا بنگاه‌ها سرمایه‌گذاری را متوقف یا به تعویق انداخته‌اند، نقدینگی را نگه می‌دارند، موجودی مواد اولیه را افزایش می‌دهند، از استخدام جدید خودداری می‌کنند یا با فسخ فعالیت خود را کوتاه‌تر کرده‌اند؟ این وضعیت در نیمه دوم سال چه اثری بر تولید و اشتغال خواهد داشت؟

رفتار امروز بنگاه‌ها را بیش از هر چیز باید واکنشی به نااطمینانی دانست. وقتی مدیر یک بنگاه نمی‌داند سه ماه دیگر نرخ ارز، قیمت انرژی، امکان واردات مواد اولیه، مسیر صادرات یا حتی شرایط امنیتی کشور چگونه خواهد بود، طبیعی است که پروژه توسعه‌ای را متوقف کند و تصمیم‌های برگشت‌ناپذیر بگیرد. افت تشکیل سرمایه ثابت نیز همین تغییر رفتار را تأیید می‌کند.

البته بنگاه‌ها در اقتصاد تورمی معمولاً پول نقد را به معنای متعارف نگه نمی‌دارند، زیرا ارزش آن به‌سرعت کاهش می‌یابد. آنچه اتفاق می‌افتد، تبدیل منابع به دارایی‌های نقدشونده ارز، مواد اولیه یا کالای قابل فروش است. افزایش موجودی انبار همیشه نشانه رونق و آمادگی برای تولید بیشتر نیست؛ گاهی اقدامی دفاعی در برابر جهش ارز، دشواری واردات یا احتمال اختلال در زنجیره تأمین است. این رفتار، سرمایه در گردش را در انبار حبس می‌کند و توان بنگاه برای پرداخت دستمزد و هزینه‌های جاری را کاهش می‌دهد. در بازار کار نیز نخستین واکنش معمولاً اخراج

گفت وگو با حسین سلاح‌ورزی:

«هزینه واقعی انتظار»

پیش روی اقتصاد ایران

خطر اصلی برای اقتصاد ایران در ۱۴۰۶ رخ می‌دهد

گسترده نیست. بنگاه ابتدا استخدام را متوقف می‌کند، جای نیروی خارج‌شده را پر نمی‌کند، اضافه کاری و مزایا را کاهش می‌دهد و بخشی از فعالیت‌ها را به قرار دادهای موقت ر کودمدتی در آمار رسمی بیکاری دیده‌نشود، اما در کاهش فرصت‌های شغلی تازه افت درآمد واقعی و گسترش اشتغال پایدار خود را نشان دهد. پیامد این رفتارها در نیمه دوم سال، با یک فاصله زمانی آشکار خواهد شد: کاهش سفارش ماشین‌آلات، افت تقاضای مواد واسطه‌ای، کنده‌شدن تولید و فشار بیشتر بر بنگاه‌های کوچک‌موسط. اگر محدودیت انرژی، تحریم، کمبود نقدینگی و نااطمینانی سیاسی ادامه یابد، رکود سرمایه‌گذاری به رکود تولید منتقل می‌شود و بازار کار نیز ضعیف‌تر خواهد شد. خطر اصلی فقط کاهش تولید چندماهه نیست؛ کوتاه‌شدن افق تصمیم‌گیری بنگاه‌هاست. اقتصادی که مدیرانش فقط تا پایان ماه یا فصل آینده را می‌بینند، توان برنامه‌ریزی، نوآوری و ایجاد شغل پایدار را از دست می‌دهد.

فرصت‌هایی است که بی‌سروصدا از بین می‌رود

«یکی از مهم‌ترین پیامدهای نااطمینانی، «صبر کردن» بنگاه‌ها برای روشن شدن آینده است؛ اما این انتظار چه هزینه‌ای برای اقتصاد ایجاد می‌کند؟ صبر کردن برای یک بنگاه، در شرایط مبهم، ممکن است تصمیمی محتاطانه و حتی عقلانی باشد. مدیر بنگاه ترجیح می‌دهد خرید ماشین‌آلات، راه‌اندازی خط تولید، نیروی جدید یا ورود به بازار تازه را تا زمانی که جهت تحولات سیاسی و اقتصادی روشن نشده، عقب بپندازد. مسئله از جایی آغاز می‌شود که این رفتار فردی به تصمیم مشترک هزاران بنگاه تبدیل می‌شود. آنچه برای هر بنگاه احتیاط است، در مقیاس اقتصاد به رکود می‌انجامد.

وقتی سرمایه‌گذاری به تعویق می‌افتد، تقاضا برای ماشین‌آلات، ساختمان، خدمات مهندسی، حمل‌ونقل و مواد واسطه‌ای کاهش پیدا می‌کند. بنگاه‌های تأمین‌کننده نیز فروش کمتری خواهند داشت و آنها هم استخدام و سرمایه‌گذاری را متوقف می‌کنند. به این ترتیب، یک تصمیم ظاهرآ موفق در سراسر زنجیره تولید تکثیر می‌شود.

انتظار، هزینه پنهان دیگری نیز دارد: از دست رفتن زمان. ماشین‌آلات فرسوده‌تر می‌شوند، فناوری بنگاه عقب می‌ماند، بازارهای صادراتی در اختیار رقبا قرار می‌گیرد و نیروی متخصصی که آینده‌ای پیش روی خود نمی‌بیند، از بنگاه یا از کشور خارج می‌شود. بازگرداندن این ظرفیت‌ها، حتی پس از بهبود شرایط، آسان و فوری نخواهد بود.

از سوی دیگر، بنگاه‌های منتظر مانده است. افق برنامه‌ریزی خود را کوتاه می‌کند. به جای طراحی برنامه سه‌ساله، درباره تأمین حقوق ماه آینده تصمیم می‌گیرد. در چنین فضای، نوآوری، آموزش نیروی انسانی و ارتقای کیفیت جزو نخستین هزینه‌هایی هستند که کنار گذاشته می‌شوند.

مشکل اقتصاد ایران این است که «صبر» دیگر یک وقفه کوتاه‌برای عبور از حادثه‌ای موقت نیست؛ به شیوه‌اداره بنگاه تبدیل شده است. اگر نااطمینانی طولانی شود، حتی رفع آن نیز لزوماً سرمایه‌گذاری را بلافاصله بازمی‌گرداند؛ زیرا اعتماد از دست‌رفته با یک خبر یا بخشنامه ترمیم نمی‌شود. هزینه واقعی انتظار، فرصت‌هایی است که بی‌سروصدا از بین می‌روند؛ ظرفیت تولیدی که پیش از تعطیلی رسمی، آرام‌آرام تهی می‌شود.

بخش اول

در بچه

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

دارایی‌های را کد به «دارایی‌های مولد برای ایجاد ارزش» تبدیل شوند



عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: یکی ابزارهایی که می‌تواند اقتصاد را شکوفا کند صندوق‌های ارزی با درآمد ثابت است در چنین سازوکاری، فرد به جای نگهداری ارز در گاوصندوق شخصی یا صندوق امانات، می‌تواند دارایی ارزی خود را در یک ابزار مالی شفاف، رسمی و تحت نظارت قرار دهد. به گزارش اقتصادسراسر، جعفر قادری به ملت، گفت: یکی از مشکلات مهم اقتصاد ایران، انباشت بخش قابل توجهی از دارایی‌های مردم در قالب‌هایی است که اگرچه برای فرد ممکن است نقش «حفظ ارزش» داشته باشند، اما در بسیاری از موارد نقشی در تأمین مالی تولید ایفا نمی‌کنند. ارز نگهداری‌شده در گاوصندوق‌های شخصی یا صندوق امانات بانک‌ها، طلای ذخیره‌شده در خانه، خودروهای مازاد، زمین و مسکن با هدف حفظ ارزش دارایی، نمونه‌هایی از این وضعیت هستند. وی افزود: مردم در شرایط تورمی طبیعی است که به دنبال حفظ قدرت خرید خود باشند. نمی‌توان از خانوار انتظار داشت در شرایطی که تورم بسیار بالا است، دارایی خود را صرفاً به شکل ربایی نگهداری کند و سالانه بخش قابل توجهی از قدرت خریدش را از دست بدهد. بنابراین این مسئله اصلی، سرزنش رفتار مردم نیست؛ مسئله، طراحی ابزارهایی است که انتخاب اقتصادی مردم را با منافع اقتصاد ملی هم‌راستا کند. این نماینده مردم در مجلس عنوان کرد: یکی از این ابزارها می‌تواند صندوق‌های ارزی با درآمد ثابت باشد.

در چنین سازوکاری، فرد به جای نگهداری ارز در گاوصندوق شخصی یا صندوق امانات، می‌تواند دارایی ارزی خود را در یک ابزار مالی شفاف، رسمی و تحت نظارت قرار دهد و در مقابل، از بازدهی متناسب با عملکرد صندوق بهره‌مند شود.

قادری تأکید کرد: اهمیت این موضوع در آن است که ارز دیگر یک دارایی بلااستفاده و را کد نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند از طریق سازوکارهای مالی، در تأمین مالی فعالیت‌های مولد، سرمایه ثابت و سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی و پروژه‌های

صادرات‌محور به کار گرفته شود. به این ترتیب، دارایی مردم همچنان نقش پوشش ریسک کاهش ارزش پول را ایفا می‌کند، اما هم‌زمان وارد چرخه فعالیت اقتصادی می‌شود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اظهار کرد: این تحول می‌تواند چند پیامد مثبت داشته باشد. نخست، بخشی از نقدینگی و دارایی‌هایی که امروز در بازارهای غیرمولد مانند ارز، طلا، خودرو، زمین و مسکن مازاد پارک می‌شوند، به سمت تأمین مالی تولید هدایت خواهند شد. دوم، تولیدکنندگان به منابع مالی جدید دسترسی پیدا می‌کنند و ظرفیت سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های خود را افزایش می‌دهند. سوم، خودروهای به کار گرفته برای حفظ ارزش دارایی خود ناچار به خرید و نگهداری فیزیکی ارز یا سایر دارایی‌ها باشند، از یک ابزار مالی رسمی و شفاف برخوردار می‌شوند.

وی بیان کرد: البته درباره صندوق‌های ارزی ممکن است این نگرانی مطرح شود که گسترش چنین ابزارهایی موجب تقویت تقاضا برای ارز و تضعیف پول ملی شود. اما باید میان خرید و احتکار ارز و به‌کارگیری دارایی ارزی در تأمین مالی تولید تفاوت قائل شد.